مروری بر تاریخ مستندسازی در سینمای جهان

# پیشگامان عرصه‌ی مستند

**محسن قادری**

تقریباً بیش از ۵۰ سال است که بحث در باب ماهیت فیلم مستند و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن ادامه دارد. برخی دیدگاه‌ها فیلمی را مستند می‌دانند که بازنمایی غیرداستانی رویدادی مستمر، عینی و واقعی باشد، اما این تعریف چندان عمیق نیست. به محض آن‌که فیلمساز چشم بر چشمی دوربین می‌گذارد خود را با تصمیماتی ذهنی روبه‌رو می‌بیند، تصمیماتی در این باب که چه چیزی را به نما وارد و چه چیزی را از آن خارج سازد؛ پس ساماندهی و چارچوب‌هایی که کارگردان برای نماهای خود در نظر می‌گیرد، برآمده از تصمیم‌گیری او در این باره است که یک رویداد را چگونه به بهترین نحو ارایه دهد. بنابراین هیچ فیلمی تمام و کمال عینی نیست، زیرا ذهنیت از همان هنگام قاب‌بندی تصویر پا به میان گذاشته و تا مرحله‌ی تدوین که امکان نقل داستان را فراهم می‌آورد به حضور خود ادامه می‌دهد. تدوین فرایند نقل داستان را پرمایه‌تر می‌کند و به آن قوام می‌بخشد؛ نوشتن گفتار متن، استفاده از موسیقی و طراحی صدابخشی، از مراحل رسیدن به این هدف است. داستانی کردن (دراماتیزاسیون) نیز در فیلم‌های مستند کاربرد دارد که نمونه‌های آن را در مستندهای تلویزیونی می‌بینیم؛ آیا اگر فیلمی برای نقل داستان، رویدادهای مهم را با استفاده از افراد یا بازیگران واقعی بازسازی کرد باز هم مستند است؟ یا اگر صحنه‌ها برای سهولت کار دوربین طراحی شدند چه؟ آیا فیلم‌های مستند انعکاس‌های درست واقعیت‌اند؟ خیر، اما مردم، مکان‌ها و رویدادهای روزمره عناصری هستند که فیلم مستند بر روی آن‌ها بنا نهاده می‌شود و فیلمساز برای نقل داستان خود به کار می‌گیرد.

پرسش‌های بسیاری درباره‌ی شیوه‌های عملکرد فیلم مستند وجود دارند، اما آن چه لازم به یادآوری بوده این است که مستند به یک وسیله‌ی ارتباطی توانمند در نیمه‌ی نخست سده‌ی بیستم تبدیل شد و ما از نگاه و فرایند اندیشه‌ی فیلمساز می‌توانیم جهان را تجربه کنیم. افراد بسیاری پیشگام گونه‌ی مستند بوده‌اند، اما بیش از همه باید از ۹ نفر که به خاطر نقش خود در گسترش این گونه برای همیشه در تاریخ فیلم مستند ماندگار می‌مانند یاد کرد. آن‌ها بر مرزهای فیلم مستند تأکید و پافشاری داشتند؛ برخی ساختن دقیق و مو به موی واقعیت را دنبال کردند، برخی نیز واقعیت را همچون بنیانی برای خلق تعابیری جدید درباره‌ی زمان و مکان به کار گرفتند.

### شرلی کلارک

«کلارک» در آغاز قصد داشت طراح رقص شود، اما حرکات پیچیده‌ی رقص‌هایش او را بر آن داشت که قابلیت‌های ثبت این حرکات بر روی فیلم را مورد بررسی قرار دهد. فیلمبرداری رقص وی را به کارگردانی فیلم کشاند. کلارک برای مستند خود «رابرت فراست: کشاکش عاشق با جهان» (۱۹۶۲) برنده‌ی جایزه‌ی اسکار شد. او آخرین فیلم خود را به صورت ویدیویی ساخت و در آن به بررسی نسل «ام‌آی تی‌وی» پرداخت.

### ملیا درن

«درن» از این رو در این میان می‌گنجد که به گونه‌یی مفهوم واقعیت خلاق را همچون بنیان فیلم‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ خود به کار گرفت. کارهای وی نشانگر مباحثه‌ی مهم میان مرزهای واقعیت و خیال (داستان) هستند. او هیچ واهمه‌یی از تغییر عناصر اولیه‌ی فیلم خود نداشت و این کار را با تدوین و به‌کارگیری فنونی چون حرکت آهسته انجام می‌داد. درن اعتقاد داشت که اگر ما این سخن را بپذیریم که حتی انتخاب جای دوربین نیز به معنای به‌کارگیری خلاقیتی هوشیار و آگاهانه است، بنابراین چنین فیلم‌هایی مستند نیستند؛ مستند در

رابرت فلاهرتی

مفهوم نمایش عینی واقعیت. درن مقاله‌یی دارد با نام «سینماتوگرافی: کاربرد خلاقه‌ی واقعیت» که خواندن آن در این زمانه که ما به سوی هنر دیجیتالی و دستکاری واقعیت پیش می‌رویم ارزش دارد.

## رابرت فلاهرتی

«فلاهرتی» توانست با فیلم‌هایی چون «نانوک شمالی»، «مردی از آران» و «داستان لوییزیانا»، روح انسانی را به ثبت برساند و آن را بر پرده‌ی سینما آشکار سازد. نگاشته‌ها و گفتارها درباره‌ی او بسیارند، اما تنها به یادآوری کتاب «رابرت فلاهرتی» نوشته‌ی «پل روث» با ویرایش «جی رابی» بسنده می‌کنیم.

## جان گریرسون

«گریرسون» پدر سینمای مستند لقب گرفته است. او بنیانگذار جنبش مستند بریتانیا در سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ بود و کسی است که برای نخستین بار اصطلاح «مستند» را به کار برد. وی اولین رییس اداره‌ی فیلمسازی ملی کانادا بود و در تأسیس «ان‌اف‌بی» - یک سازمان مشهور جهانی - نقش داشت.

## یوریس ایونس

«ایونس» که زندگی‌اش بخش عمده‌یی از تاریخ سینما را در بر می‌گیرد، یکی از بزرگ‌ترین پیشگامان مستند است. آثار اولیه‌ی او در سینمای مستند، آمیزه‌یی از زیبایی‌شناسی آشکار و تعهد شخصی و سیاسی عمیق است.

## همفری جنینگز

«جنینگز» بیش‌تر به خاطر فیلم‌های بریتانیای دوره‌ی جنگ شهرت دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به «آتش‌ها برافروختند» (۱۹۴۳) اشاره کرد که توجه خود را بر کوشش‌های آتش‌نشانان لندن برای مقابله با بمب‌های آتش‌زایی که شهر را در بر می‌گرفتند متمرکز می‌سازد.

## پیر لورنتز

«لورنتز» یکی از پیشگامان مستندسازی آمریکاست. پس از آن‌که «رودخانه» ساخته‌ی او در جشنواره‌ی بین‌المللی ونیز سال ۱۹۳۸ جایزه‌ی اول را به خاطر مستندآتش به دست آورد، فرانکلین روزولت - رییس‌جمهور آمریکا - از وی دعوت

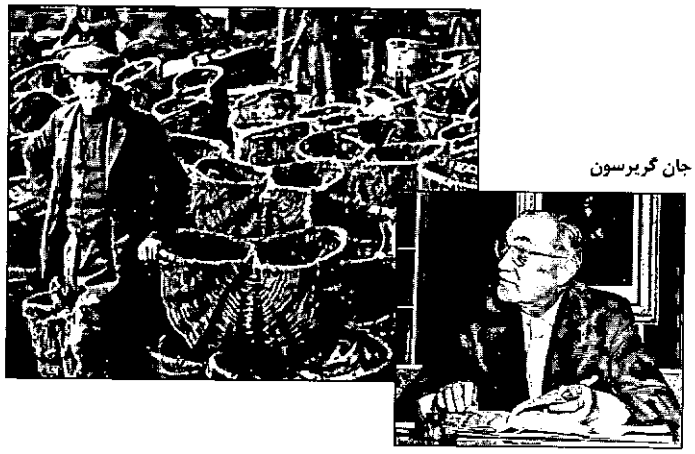

جان گریرسون

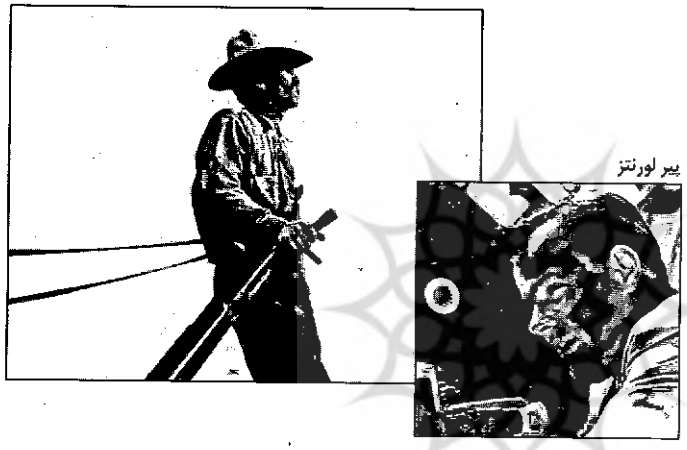

پیر لورنتز

کرد تا یک واحد فیلمسازی دولتی تأسیس کند و به تولید و توزیع فیلم‌هایی درباره‌ی موضوعات ملی بپردازد. کارکرد متحولانه‌ی لورنتز از گونه‌ی مستند، دیگر گروه‌ها را در سال‌های دهه‌ی ۱۹۳۰ بر آن داشت تا در فیلم‌های خود به انتقال پیام‌های اجتماعی و سیاسی بپردازند. فیلم‌های او معمولاً به خاطر بینش، تدوین و استفاده از موسیقی خاص مورد تحسین قرار گرفته‌اند.

## مارگریت مید

«مید» از تصاویر متحرک به عنوان ابزار ثبت بسیاری از پژوهش‌های مردم‌شناسی و انسان‌شناسی‌اش بهره برد. وی در سال ۱۹۲۶ عازم ساموآی آمریکا شد تا در مزرعه‌یی که خود در کودکی برای نخستین بار به کار پرداخته بود دختران نوجوان را دستمایه‌ی فیلمش قرار دهد. او در طول سال‌های دهه‌ی ۱۹۵۰ در همکاری مشترک با همسر خود گرگوری بتسون تعدادی فیلم ساخت. کتابخانه‌ی کنگره‌ی آمریکا نگهدارنده‌ی مجموعه‌ی «مارگریت مید» است که از آن میان می‌توان به فیلم‌های گرفته شده در مزارع کار بالی و پاپوا در گینه‌ی نو اشاره کرد که حاصل سفرهای او در فاصله‌ی سال‌های ۱۹۳۶ تا ۱۹۶۵ است.

## ویلارد وان دایک

«وان‌دایک» پیش از آمدن به نیویورک در سال ۱۹۳۵ و دنبال کردن فعالیت فیلمسازی، عکاس بود. آثار او در زمینه‌ی سینمای اجتماعی خیلی زود در آمریکا به شهرت رسید. وی اعتقاد داشت که فیلم می‌تواند جهان را دگرگون سازد. یکی از مشهورترین فیلم‌های او «شهر» است که به بررسی قابلیت‌های جدید شهرسازی می‌پردازد ■